



پیشمرگان کومه‌له یورش نیروهای دشمن را بهر و ستای "گوپزه گوپزه"ی مریوان عقب راندند

سیندج: ● پیشمرگان کومه‌له در سالگرد قیام پایگاه سرکوبگران رادری ماهوخ کوپیدند.

● رژیم ۳۰۰ نفر را در پیرانشهر دستگیر نمود

ستونهای دشمن در شهر سنندج و در مسیر جاده سنندج - دیواندره وارد آورد ماند و تجربیات نظامی بهر ارزشی کسب کرد ماند. پشتیبانی بهد ریخ زحمتکشان این منطقه را پیشمرگان کومه‌له در این بیرون‌ها بسیار موثر بود ماست. علاوه بر این جوله پیشمرگان این لایق در منطقه مالا بردن آگاهی سیاسی زحمتکشان بسیار کمک کرد ماست. شهید کاکه شوان تا هنگام شهادت فرماندهی نظامی این لایق را بعهده داشت.

● ۵۹/۱۱/۲۲ - در ساعت ۶ بعد از ظهر یک دستا پیشمرگان کومه‌له (از لایق شهید سعید) به مدت یک ساعت پایگاه ارتشمان و پاسداران مستقر در "ماهوخ" (در جاده سنندج - دیواندره) را با خمپاره زدن آتش گرفتند و ضربات و خساراتی به آن وارد آوردند که از میزان دقیق آن اطلاعی در دست نیست. پیشمرگان بعد از این حمله سالم به پایگاه خود بازگشتند. پیشمرگان (لق شهید سعید) تا کنون ضربات سختی بر پایگاهها و

گسترش مبارزات توده‌های و نلیفه نیروهای دهکرات و انقلابی

هم‌اکنون بیش از دو سال از قیام بهار، خونین و ناتمام توده‌های کشور ما میگذرد. دو سال از روزهای پرشکوهی میگذرد که توده‌های مردم با سرچینی از دستورات "رهبری مخفی" بطور خود بخود بهار زه مرگ وزند با یکی از دیکتاتورهای هارزمان برداخته و عمر ننگین رژیم پهلوی را به پایان رسانیدند. آن چنان آسروزی انقلابی خود را در این چند روز معلوم ساختند که برای هم‌شهرتسارک مبارزات ضد امپریالیستی و دیکتاتورانه زحمتکشان کشور ما به رخشد. قیام آنچنان سنتهای انقلابی و فدائیکاری را زخود بروز داد که تا بهد در قلب پرطیش انقلابیون و توده‌های مبارز کشور ما بهیادگار خواهد ماند و چون تیری سوزان بر قلب نه‌سوزن سرما بهد اران و دیگر مرتجعین نشسته و تارمگ حتمی و دائمی آزار - شان خواهد داد. بی دلیل نبود که

چشمگیری داشته‌اند و جنبش مقاومت خلق کرد در دوردوم آن پشتیبانی وسیع توده‌های ملیونتی کرد برخوردار. در این روزها و ورشد چشمگیر و همه‌جانبه نیروهای انقلابی و مترقی در این جنبش مقاومت و افشای چهره‌ها زحمتکشان و فرصت طلبان و منزوی‌شد نشان از توده‌های زحمتکش نما با نگرش کیفی جنبش مقاومت میباشد. اگر در روزهای قیام نطفه‌های تازه جنبه بندی بین انقلاب و ضد انقلاب در کشور ما بسته شد. بعد از قیام نیز هر روزها این صف بندی بین دوار و گاه انقلاب و ضد انقلاب با رزتر گردید هم‌اکنون نیز مرتها در حال شکل گیری است. چنانکه در این مقطع

در اولین لحظات قیام بمخالفست جدی با آن برداخته و در اولین روزهای پس از قدرت رسیدن، حکومت سازش و بخلع سلاح قیام کنندگان برداخته و در تمام این دو سال به درند و خوترین شکلی به سرکوب دستاورد های قیام اقدام نمود و هر دم اردوی ضد انقلاب را به شکل نهی برای سرکوب انقلاب سازمان داد ماست. تمام نیرونگها و مفریها و درنده‌خوشها در خدمت این هدف پلید و نامقدس بوده و میباشد. اما از طرف دیگر جنبه انقلاب نیز هر روز بهر با رتر گردید چنانکه مبارزات کارگران و توده‌های زحمتکش گسترش بیشتری یافتند و سازمانهای انقلابی و مترقی رشید

مسئولیت و کوشش عظیمی را از نیروها
 ما رکنیست - لنینیست و د مکررات
 های انقلابی و مترقی می طلبید .
 ما وظیفه خود میدانیم هرچند
 مختصراً ترسیم این اوضاع پرداخته
 و نیروهای انقلابی و د مکررات
 مسئولیت خطیرشان را هشدار
 دسیم .
 جنگ ویرانگر و ارتجاعی ایران و
 عراق که نتیجه بحران اقتصادی و
 سیاسی و اجتماعی در دو کشور بود ،
 اگر در یک مقطع زمانی کوتاه حساب
 سات شویم پستی را در توده های
 آگاهان و توده های ناآگاهان
 نسبت به هیبت حاکمه رشد داد اما
 عواقب ناشی از آن بزودی برگردد .
 زحمتکشان سنگینی نموده و چنانچه
 حد و د مصلحت آواره جنگی در
 مناطق جنوبی و غرب کشور و بهاران
 شهرها و مناطق روستایی از سوی هر
 دو طرف و قربانی شدن هر دو
 زحمتکشان و تشدید بحران و بیکاری
 و گران شدن سرمایه و طرف دیگر
 بهوش و خشیا نموده شهرها و روستاها
 کردستان و تعقیب و دستگیری
 انقلابیون و نیروهای مترقی در سراسر
 ایران و حمله چند باره به زاده ی و
 د مکرراتی و هر نوع تشکل و اعتراض
 کارگری از طرف رژیم جمهوری اسلامی
 بیشتر از پیش ماهیت جنگ را روشن
 نمود و کار در به استخوان کارگران و
 زحمتکشان کشور را رساند ما نسبت
 بطوری که جایمان حاکم نیز با همین
 واقعیات بی پرده و صراحتاً حمله
 ضد انقلاب داخلی یعنی حمله
 انقلاب را در دستگیر کار خود قرار
 داد مانند بهارها مقامات رسمی این
 جمهوری اعلام داشته اند که فعالیت
 گروههای مبارز و انقلابی و رشد
 مبارزات کارگران و اعتصاب و تظاهرات
 تحمیل آنها و خطرناکتر از همه مبارزان
 میگ های عراقی و موشک بستن
 شهرها است . علاً نیز دشمنی
 عمده خود را با کارگران و زحمتکشان و
 انقلابیون با شایعات رسانید مانند
 واقعیات و سرسخت فوق بی تفاوتی

تود و همان نسبت به جنگ ارتجاعی
 و غیر ما دلانه و پرخن توده های
 اعتلای مبارزات آنها را صبر کردید
 است . ارد و گاه های آوارگان به مکی
 از گانه های اعتراض و مبارزه تبدیل
 گردید و نیروی بیگانه و رژیم برای
 ادامه حیات مجبور به مبارزه است
 در کارخانجات مخالفت با
 خواسته های اقتصادی کارگران از
 قبیل طبقه بندی مشاغل و پرداخت
 نمودن سود ویژه - با د اش و شورا -
 هائی که در دست کارگران باشد و
 حطه هر نوع تشکل صنفی سیاسی
 کارگران و اخراج و سرکوب کارگران
 تا راضی و مبارزه در کارخانه های
 بزرگ و کوچک و استتار روحشایان
 نیروی کارها بین بودن سطح
 دستمزدها و عدم وجود بهداشت
 و امنیت در کار و هدی نتیجه اش -
 اعتراضات پراکنده ای است که هر چه
 گسترش است و بطور جدی به مثابه
 خطری بالقوه رژیم را تهدید مینماید .
 در کردستان این سنگین بر جوش و
 خروش مبارزات د مکرراتیک و ادامه
 د هندگان قیام ، نمود این جنبه
 بندی به دلیل سال زمان یافتگی و تجربه
 گرانهای مقاومت مسلحانه توده های
 بسیار واضح گردید است . با وجود
 حطه بهارنا و سرکوب و قتل عام
 و خشیا نه و سال زمان یافته ارتش و
 پاسداران و خمپاره باران به مبارزان
 شهرها و روستا های کردستان خلق
 کرد پر شورتر از دور اول جنبش
 مقاومت به دفاع از به شمرگان انقلابی
 و دستاوردهای مبارزاتی بهوش بر خا
 است . و به الا ترازان آگاهی سیاسی
 و طبقاتی رشد نمونی یافته بطوریکه
 پشتیانی آگاهانه و وسیع اکثریت
 زحمتکشان شهروند ما زجناح انقلابی
 به گیر و مترقی جنبش مقاومت به الا خص
 پشتیانی از مبارزات سازمان مایر
 علیه هر نوع وابستگی و تسلیم پس از
 د رقیال جمهوری اسلامی با وجود
 شرایط سخت محاصره اقتصادی
 سرکوب و قتل عام از سوی رژیم کماکان
 ادامه دارد . زورگویی و قتل و
 د مکررات و اعمال ضد د مکرراتیک این

حزب با مقاومت جدی زحمتکشان
 شهروند و پرور گردیده و احساس
 مسئولیت و فاطمیت شخصیت
 مبارز و مترقی ما مستطاب شیخ مراد بن
 حسینی د رقیال جنبش مقاومت و
 نقش ارزنده وی در پشتیانی فعال
 از مبارزه بر طبقه و وابستگی د ر این مرحله
 همه و همه دستاوردهای مبارزات -
 خلق کرد میباشند که تغییر صرف
 بندی د ر جنبش مقاومت و اینجناح
 مترقی و انقلابی و به گیر و مترقی شدن
 بیشتر و هر روز فرصت طلبان و
 سازشکاران و زورگویی را ضحجر
 گردید و نتیجتاً به سهم خود جنبه
 انقلاب را د وام و استحکام بیشتری
 بخشید است . رشد مبارزات و
 مشخص شدن صف بندی و تقوی
 هر چه بیشتر نیروهای انقلابی و مترقی
 و سال زمان یافتگی جنبش د ر کردستان
 همراه با گسترش اعتراضات و
 رضایتی کارگران و زحمتکشان در دیگر
 نقاط ایران و رشد روز افزون تظاهرات
 و اعتصاب دانش آموزان در سراسر
 ایران چون خطری هر روز و جدی
 بالقوه هیبت حاکمه را تهدید مینماید و
 شکاف و بحران د رون رژیم را از بیاد
 بخشید تا جاییکه بی صد رود بگر
 لیه راهها از ترس انقلاب و توده ها
 بکشیه " آزاد بخوابه " از آب د ر آمده
 و به مخالفت با استبداد و انحصار
 طلبی میپردازند بی صد ریکی
 به ارتش ضد خلقی دستور میداد تا
 سرکوب و کشتارکا مل خلق کرد بومین
 ها را از آنها د ر دنیا بزند . و سال ۹۰
 سال امنیت و سرکوب مبارزات کار
 گری و تولید بیشتر مینماید . از طرف
 د بگروزیانه جمهوری اسلامی اشک
 تصاح بر مرزا رشید ای قارنا و قلاتان
 ریخته و مسلح نمودن فتود الهها را
 محکوم و خواهان خلق سلا حسان می
 باشد د روزنا به جناحی که فرمان
 جبهه د اکبر بر طبقه خلق کسود و
 زحمتکشان ما د ر مینماید و فتود الهها و
 اشرا رمتنفذ را خود مسلح نمود ما دست
 و ارگانهای " انقلابی " پاسدار و
 بسیج اشها طین اصلی این قتل
 ها میباشند . ولی واقعیات

اینست که هرکدام از جناح‌های هیئت حاکمه بین فکر افتادند که با عوام فزونی و کشاندن بخشی از خرد مبرز و زاری به دنبال خود و استفاده از نیروی آنها موقعیت خود را در جنگ قدرت تحکیم کنند . سیاست راست روانه سازمان چریک‌های فدایی (اکثریت) در جهت خیانت هشت کردن به کارگران و زحمتکشان، خنیدن به نیروی پرچم بخشی از هیئت حاکمه بود و آنها را به دنبال الماروکا مل جناح حزب جمهوری اسلامی تبدیل کرد ما ست . بدین ترتیب چریک‌های (اکثریت) یک سره با انقلاب پشت نمود و در کردستان در پیشگاه زحمتکشان و جنبش مقاومت رسوا و مطرود گردیدند و نیز از جنبش انقلابی در ایران منزوی و نقش کارگزاری سرمایه داران را در بین کارگران به عهد گرفتند . همه پاس این خدما نشان است که بخش و نشر ارگان و اعلامیه‌ها نشان تقریباً بلا مانع می‌باشد .

بنظر ما این امر تصادفی نبود بلکه سرنوشت حتمی و منطقی رهبری تسلیم طلب خرد مبرز و زاری ترسان از انقلاب است که جز اغوش گرم و نرم مبرز و زاری مکانی برای رفع خستگی راه انقلاب ندارد ، همچنین عدم توانایی کامل حکومت اشتباهی در برپه آنها را برای تحقق رویای رسیدن به قدرت صاف نمود و از ذوق قدرت و نفوذ آنها را یاد از به پشت کردن به انقلاب و هتاهت‌هایی می‌شود . اما رشد انقلاب اجازت جریان این معامله‌ی درد سر را نمی‌دهد ، چنانکه تاکنون نداده است .

در شرایط کنونی که نیروهای انقلابی و مبارز و متروقی در جنبش مقاومت به نفوذ و اعتبار روز افزونی در بین اکثریت زحمتکشان شه‌رود دست یافته‌اند و اهمیت درجه اولی کسب کرده‌اند و اعتراضات کارگری و جنبش یافته‌است و مبارزات دانشجویان و دانش‌آموزان و دیگر اقشار انقلابی برای آزادی و دموکراسی در سراسر ایران رو

با اعتلاست و توهم توده‌ها نسبت به روحانیت حاکم تا حد و زیاده‌ریخته و غیره دلا نمودن جنگ ارتجاعی ایران و عراق توده‌ها را به بی‌تفاوتی نسبت به آن و در مواردی مخالفت با جنگ کشاند ما ست و خاتمین به طبقه کارگر تا حد و زیاده‌اش و مورد گردیدند و در یک کلام موج نوین انقلابی در حال گسترش است ، صف بندی و قطب بندی بین انقلاب و ضد انقلاب مشخص تر گردید و رژیم عملاً "و تا حد و زیاده‌ی فلج و ناتوان از حکومت و سرکوب است .

اما در شرایط حضور آگاهانه و مستقل طبقه کارگر و گروهی برپا می‌انقلابیون مارکسیست - لنینیست و عوام فزینی و ماسک دفاع از دموکراسی به چهره زدن بی‌سود بود بگر لبرال‌ها همه و همه خطر ایجاد توهم در ذهن توده‌ها از زحمتکش نسبت به بخشی از مبرز و زاری حاکم در شرایطی که اعتلای انقلابی بوجود می‌آید . در همین نیروهای فعال جنبش سراسری سازمان مجاهدین خلق که تحت فشار و مورد پوزش رژیم و جناح حزب جمهوری اسلامی قرار گرفته و هر روز هوا داران نشان تعقیب شکنجه و آزار روزندانی میشوند نیروی است که هم می‌تواند در شرایط کنونی به سهم خود نقش سازشی را ایفا نماید و هم در صورت خطا در سیاست هشت کردن به دموکراسی انقلابی تهدیدهای جدی را متوجه انقلاب سازد .

با توجه به واقعیات فوق‌ما که به معنای یک نیروی فعال در جنبش مقاومت خلق کرد از تمام توان خود در جهت پیوند این مبارزات با مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی توده‌های سراسر ایران و در خدمت اعتلای دموکراسی انقلابی و اعتلای مبارزات کارگری - سود جست‌هایم ، خطر جدی سیاست معاشات و تردد بدآمیخته سکوت سازمان مجاهدین خلق را در برابر بنی‌سود بود بگر لبرال‌ها و نیز سکوت برابر نیروهای انقلابی و مبارز و متروقی

در کردستان و تمام ایران را به ضرر جنبش و دموکراسی انقلابی و در جهت رشد دادن به توهم توده‌ها از زحمتکش و دموکرات میدانیم . آنها اگر خود را نیروی ضد امپریالیست و انقلابی میدانند باید اتحاد عمل خود را با نیروهای مارکسیست - لنینیست و دیگر نیروهای ضد امپریالیست واقعی قرار دهند نه لبرال‌های ضد انقلابی و نیروهای وابسته . در شرایطی که هر قدر می‌جهت نزدیکی می‌یوند با نیروهای که در دشمنی شان با زحمتکشان ایران هیچ تردیدی وجود ندارد بردارند ، ضربه‌های به بگر انقلاب خواهد بود . و با جدا کردن وستان مجاهد خود را از آن بر خرد میدانند آنها را به پشتیانی فعال و اتحاد عمل با نیروهای انقلابی در کردستان و در سراسر ایران فرا می‌خوانیم .

● هریوان

● ۵۹/۱۱/۲۵ - صبح امین روز تمداد زیاده‌ی ارتشی و پاسدارو جاش وارد روستای "گهیزکوه" واقع در ۵ کیلومتری پادگان و در بین پایگاه‌های "گاران" و "به‌کوه" شدند و اهالی روستا را با زور در مسجد جمع کرده و شروع به تهدید و اذیت و آزار آنان می‌نمایند ، دو دسته از به‌شمرگان کوه‌پل از (پل شهید امین و پل شهید حسین بود ستیغ شهید اصغر که در آن نزدیکی بود به محض اطلاع بسوی نیروهای دشمن حرکت میکنند . در ساعت ۱۱ صبح نیروهای سرکوه گها شنیدن خبر نزدیک شدن به‌شمرگان با جاش گذاشتن کفشها و مقداری از وسایل خود با عجله روستا را ترک میکنند . به‌شمرگان فوراً "مزدوران را تعقیب کرده‌ها آنها در گریز میشوند و طی نبرد سختی طغای به‌آنان وارد می‌سازند که از میزان دقیق آن اطلاعی در دست نیست . دشمن مفتضاحانه عقب نشینی کرد و به‌شمرگان به پایگاه محمود باز می‌گردند .

عصر همان روز به‌شمرگان از آنکه به‌شمرگان

برای انجام مأموریت‌های خود از منطقه دورگیزی و در می‌شوند و مزد و روان با استفاده از فرصت و درها و بهمانجا بپوش آورد و بعد از آن گولمستین وحشیانه روستا وارد آنجا شد و وحش نفر از اهالی را دستگیرها خود می‌برند.

پیرانشهر

● مقامت اخیر زحمتکشان منطقه و بهشمرگان در روستاهای "جهران" و "قلات" و "امین آباد" که باعث به هلاکت رسیدن و زخمی شدن مردم از مزد و روان شد و روحیه مردم شهر را بسیار پالاید و مزد و روان در نیمه را هراسناک کرده است و بطوریکه وحشیانه دست به آزار اهالی پیرانشهر زد و مانند

نبروهای سرکوه گورنیم فشار و خفقان در شهر را افزایش داد و مردم زبانی از مردم بهد فاع را دستگیر و زندانی نمود مانند

صبح روز اول بهمن ماه پاسداران بد اخل شهر و خسته و وحشیانه به شهر سوتیراندازی کرد و بطوریکه در اثر این تیراندازیها چند نفر از اهالی شهر که جهت برف روی به پشت با ما رفته بودند هدف رگبار قرار گرفتند و زخمی شدند.

در همین روز پاسداران به کوچی و خبا با نهایی شهر و خسته های از مردم را که برای بازگردن منازمهای خود بیرون آمدند و دستگیر نمودند و به پاره زور آنها را از منازل بیرون آوردند و با خود بردند. در این روز مجرمها ۳ نفر از مردم بهد فاع شهر را بازداشت نمودند. دستگیری مردم شهر همچنان ادامه دارد. هر طبقه اخبار رسیدند و زندانیان را بطرز وحشیانه ای شکنجه می نمایند. برای مثال مد های از زندانیان را در رهسوی سرد صبح زود در آب فرود و کتک کاری کردند.

این اوضاع و احوال باعث شد که مد های از اهالی به علت نبود امنیت شهر را ترک کنند. افزایش فشار و

خفقان و نیز اعمال جنایتکارانه و ارتشیان پاسداران بر کینه و نفرت مردم نسبت به رژیم افزود و مردم دلیرانه در برابر آنها مقاومت میکنند.

■ اخراج کارگران جنوب به بهانه جنگ از کارخانه‌ها همچنان ادامه دارد.

● از زمان آغاز جنگ ایران و عراق و رژیم جمهوری اسلامی در و راه در پیش روی کارگران و زحمتکشان مناطق جنگ زد قرار دادند. یاد و شهرهای جنگ زد باقی مانده و گوشت دم توپ شهید و اگر جناح شهر خود را ترک نماید از کارخانه اخراج خواهد شد.

بد نبال اجرای این سیاست ضد مردمی رژیم و بسیاری از کارگران و کارمندان که در آبادان و خرمشهر و اهواز و... مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده و به شهرهای دیگر کوچ کردند و کار خود را از دست دادند و بعضی ها هم خانواده های خود را به شهرهای دور از جنگ فرستادند و خود بخاطر از دست دادن شغلشان مجبور به ماندن در

شهر شدند. چندین بهشمرگان از کارگران تعمیرات مارون که برای دیدن خانواده شان چند روزی غیبت کردند و پس از بازگشت متوجه میشوند که تمام آنها از لیست حقوق کارگران حذف شده است. وقتی که آنها با این عمل ضد کارگری اعتراض کردند، سرپرستان به کارگران حمله ور شدند و نزاع در می گیرد. سپس پاسداران ارتجاع خورا بمحل دورگیزی آمد و کارگران را با تهدید و ارباب در جلوی اداره - بهر مهر اری شرکت نفت اهواز سولر اتوبیل نمود و همراه خود می‌برند. و در بخشنامه ای که بد نبال این واقعه صادر شد از آن به عنوان "ستون پنجم" یاد شده و از کارخانه اخراج گردیدند. ***

سنج

● ۵۹/۱۱/۲۲ - در این روز یک خود رواتشی حامل مد های ارتشی پاسدار رحالیکه هازم پایگاه می در تبه منفشه واقع در قسمت شمالی شهر سنج بود. با طه انفجاری که توسط بهشمرگان کوه طه لقی شهید سعید در مسیر آن کنار گذاشته شد. بهر خورد کرد که خود رو میزد و وحد اقل عنفرا زنیرو های دشمن کشته و ۳ نفر زخمی شدند. بعد از انفجار بهشمرگان بد و ن درگیری به پایگاه های خود بازگشتند.

● شور انقلابی جوانان روانسر مزدوران رژیم را به وحشت انداخته است.

● ۵۹/۱۱/۲۱ - در این روز مد های از دانش آموزان و جوانان شهر که برای تماشای نمایشنامه بهمد رسه شبانه روزی شهر رفتند و هنگام بازگشت در جلوستون ارتشی مستقر در آنجا به داد و شمارو خواندن سرود های انقلابی پرداختند.

پاسداران و جاسپا که از روحیه رزمنده جوانان بهراس افتاد بودند، در ساعت ۹ شب با خود روهای خود در داخل شهر حرکت در آمدند و اطراف خود و خانه های مردم را زهر رگبار گرفتند و حتی در پایگاه های اطراف توپ و خمپاره شلیک کردند. تا به خیال خود با ایجاد محیط ترس و وحشت روحیه مبارزاتی مردم را بشکنند. و در فردای آنروز بهمنی سالگرد قیام کسی جرأت تظاهرات بر طبله رژیم را نداشتند.

● ۵۹/۱۱/۲۲ - جهاد سازندگی در این روز از مردم روانسر خواسته بود که در راهپیمایی و متینگ شرکت کنند. مردم مبارز روانسر با بی توجهی به دعوت آنها بهسراک های خود رفته و در راهپیمایی دولتی شرکت نکردند.

و طبرقم و حشیرکهای شب قبل
 جوانان مبارزها دادن شمارهای -
 انقلابی در خیابان شهر به تظاهرات
 بر طبله رژیم پرداختند. تا جائیکه
 ما مورین د ولتی ابتدا مجبور به مغسو
 راهیمائی خود شدند و مدتی بعد
 پاسداران و جاسپاهان تنهایی بدون
 شرکت مردم روانسر متینگی برگسزار
 کردند.

**فرمانده عملیات غرب کشور
 جبهه سازندگی در کردستان
 در حال ساختن سنگر برای
 نیروهای نظامی است.**

همانگونه که قبلاً به آگاهیتان
 یگاندیم روزنامه‌های وابسته رژیم
 تاکنون با احوال و احوال کردمانند که
 جبهه سازندگی در کردستان مشغول
 ساختن استحکامات نظامی است.
 و حالاً از قبل سرهنگ شیروازی
 فرمانده عملیات غرب کشور در
 حبه نظیر بونی. اینهمه ما به شنید
 که نقش ضد انقلابی جبهه سازندگی
 را به خوبی روشن کرده است.
 " . . . بی باستی از فعالیت‌های
 اعضای "جبهه سازندگی" تشکر نمود
 " آگاهان در حواصتین لحظات
 یعنی در زین برتاب اخبار مهمی
 برده‌های مسلح غیرقانونی و در حال
 ساختن سنگر برای نیروهای نظامی
 بودند تا ارتش و سپاه بتواند به تدریج
 علیه آنها با رزیداده‌ها دهند . . ."

**باز هم جنایات رژیم
 جمهوری اسلامی در
 سردشت**

● ۵۹/۱۱/۲۱ - ساعت ۳
 و ۴ دقیقه بمباران ظهر چند گلوله
 خرابه‌ها را در گان سردشت بطرف
 جنوب شرقی شهر و اطراف روستای
 (ماراغان) شلیک شد که مکاروانی از
 روستائیان که در آن هنگام از این محل

افشای متن یک سند

از ارتش جمهوری اسلامی

● متنی را که در زیر میخوانید، عین ابلاغیه‌ای است که اخیراً به
 پادگان‌ها پاشاها و دیگر واحدهای ارتش در کردستان ارسال گردید.
 بدو است. همانطور که می‌بینید مزدوران رژیم طبرقم همه تبلیغات و
 جاسوسان طبری شان بر طبله نیروهای انقلابی جنبش مقاومت در مسعود
 اینکه گویا احتیاجات شان از خارج تأمین میشود. در میانیه داخلی خود
 اعتراف کرده‌اند که به شمرگان وسائل مورد نیاز خود را از نیروهای دشمن
 تأمین میکنند.

- * ابلاغ شد از طرف فرمانده تیپ به همه واحدها پادگان‌ها *
- بنابر اعلام عملیات مشترک غرب و اطلاعات و اصلعنا صرصد انقلاب از
 نظر خواهرها رومود سوختی و ما بحتاج زنده کی سخت در مضیقه میباشند و
 در نظر دارند به هر طریق که شد در طول جاده‌ها با اجرای عملیات کمین و
 دستبرد وسائل مورد نیاز خود را تأمین نمایند. دستور فرمائید دستورات
 زیرین مجدداً پادگان‌ها صا در نتیجه اقدامات راهبرفته به مرکزین
 سوم گزارش نمایند.
- ۱- هر پادگان تا پادگان مجاور خود (مسئولیت منطقه تعیین شد قبلی)
 مسئول جاده میباشد.
 - ۲- تا شعاع ۱۰ الی ۵ کیلومتری مسیر روستاهای اطراف جاده عملیات
 پاکسازی کامکان ادا نماید.
 - ۳- هر پادگان تشکیل گروه‌های ضربت متحرک تمام حرکات طول
 جاده مسئولیت خود را زیر نظر داشته باشد.
 - ۴- حرکت هرگونه وسایل نقلیه در شب مطلقاً ممنوع است.
 - ۵- اطینان از ارتباط کامل بین پادگان‌ها و مرکز لشکر.
 - ۶- هر پادگان با بستی مهمات و اسلحه‌ها و ذخیره
 عملیاتی ۵ روز خود را در محل پادگان داشته باشد.
 - ۷- هرگونه پیش بینی لازم در مورد تأمین خواربار و مدت یکماه و هم
 چنین بنزین و نفت با استفاده از مخزنهای . . . ۲۰ لیتری بعمل آید.
 - ۸- چنانچه در هر محلی احیاناً توسط ضد انقلاب کمین اجرا گردد
 بلافاصله طرح پاکسازی را تهیه و در روز بعدی اجرا و پاسخ دند ان شکستی
 بدشمن داد میشود. مانند برنامه منظم اخیر لشکر و سپاهیان پاسدار در
 مورخه ۵۹/۸/۲۶ در منطقه خا صان و قطعا عملیات کمین و دستبرد
 توسط ضد انقلاب بدون بحد اقل خواهد رسید.
 - ۹- چنانچه موارد ذکر شده به بالا را هر پادگان دقیقاً به مورد اجرا بگذارد
 نتیجه این همه تلاشهای پرسنل در این موقعیت حساس نه تنها به دست
 نرفته بلکه بعد از این بیشتر خواهد بود.
- امضا فرمانده تیپ . . .

عبور میکردند، اصابت کرده و در - | اهل روستای گلینه شهید ۲ نفر
 نتیجه گرفتند از روانیان بنام ابوبکر | دیگر زخمی شدند . . .

روستاهای گود نشین
اطراف میاندوآب همچنان
خمپاره باران میشوند.

● ۵۹/۱۱/۲۸ - روستای ساروقا پیش توسط ارتشیان و پاسداران مستقر رتبه گامیش گولی خمپاره باران شده که در اثر آن خانه یک روستایی زحمتکش و نیز شرکت تعاونی و مسجد روستا آسیب دید و یک نفر زخمی گردید.

● ۵۹/۱۱/۲۹ - ساعت ۳ بعد از ظهر باران بگرو روستای ساروقا پیش خمپاره باران شد و خسارت های مالی و باقیمانده را آورد. ولی خوشبختانه خسارات جانی نداشت. با وجود همه این جنایات روحیه مردم بسیار عالیست. همچنین در همان زمان روستاهای قبا فکندی و قهره گول و سه وی نیز خمپاره باران شدند که در آنجا ها نیز خسارات مختصری به بار آمد.

گردهمایی روستائیان
زحمتکش شهر و سیران
بهنا سبت سالروز
۲۶ بهمن (روز کومله)

● ۵۹/۱۱/۲۶ - در این روز عده زیادی از اهالی زحمتکش روستاهای حاجی خوش و گرده گروی و قهره داغ و غور خوره و گمیج آوا و گابازله و لهج و گابیس ایند رقاش و قومقلا و ترشه کان و گوکتبه از منطقه شایر ویران (مهاباد) در یکی از این روستاها اجتماع کرده و مراسم ۲۶ بهمن در صحن سالروز آغاز فعالیت طنی کومله و در همین سال شهادت کاک محمد حسین کریمی یکی از اعضاء و پیروان گزاران کومله را برگزار کردند. ابتدا توسط یکی از رفقای هوادار

سرگذشت سراسر مبارزه کاک محمد حسین برای حضا ریمان گردید. و بعد از چندین شعور و سرود از طرف

شرکت کنندگان و پیشمرگان کومله خوانده شد. در پایان یکی از پیشمرگان در باره تاریخچه مبارزاتی کومله در دوره رژیم مزد و پهلوی و همچنین در جنبش مقاومت در برابر یورش و اعمال سرکجگران جمهوری اسلامی سخن گفت که مورد استقبال گرم شرکت کنندگان در مراسم قرار گرفت. شرکت کنندگان روستاهای مختلف بهای مهاباد همراهی نمودند. داشتند که به مدت کمبود وقت همه بهای مهاباد خوانده شدند.

شرکت وسیع و چشمگیر روستائیان زحمتکش منطقه شهر ویران در مراسم روز کومله در این شرایط نشان دهند و رشد روز افزون آگاهی سیاسی و طبقاتی زحمتکشان کردستان میباشد.

گردهمایی زحمتکشان
شایر و پیشمرگان بهنا سبت
سالگرد ۲۲ بهمن

● ۵۹/۱۱/۲۲ - بدعت کومله متینگی با شرکت مردم پیشمرگان رزمندگان و هیکارود کرات بهنا سبت سالگرد قیام ۲۲ بهمن در مسجد قریه "شایر" برگزار گردید. ابتدا حاضرین در متینگ سرود "یک ایار" را خواندند و سپس بهای کومله و سازمانهای دیگر قرائت کردند. همچنین در فاصله مهاباد سرودهای انقلابی خوانده میشود.

سپس قطعنامه ای خوانده شد که مورد تأیید حاضرین قرار گرفت. در قطعنامه زحمتکشان روستا و پیشمرگان انقلابی ضمن گرامی داشت سالگرد قیام ۲۲ بهمن و مبارزه متینگی بهای کارگران و زحمتکشان سراسر ایران فرمان نفوذ گرفتن ما را همراهان و نرسنگ تا زه رژیم و برای سرپوش گذاشتن بر شکستهای مفتضحانه اش دانسته و از

آن ابراز زتنفرکردند و همچنین اعلام داشتند که ما مبارزه ما را تا ته خود را قاطعاً نهمیپیش خواهیم نمود. در قطعنامه ها زمانهای انقلابی سراسر ایران خواسته شد که با تمام امکانات جنایات رژیم در کردستان را در سراسر ایران افشا نمایند.

طی یک نبرد قهرمانانه
در گامیاران ضربات
سختی برد دشمن وارد
آمد.
دو تن از پیشمرگان
فداکار کومله به شهادت
رسیدند.

● ۵۹/۱۱/۲۶ - در این روز دو دستا پیشمرگان کومله (سید شهدی یوسف) در جاده منفسدج گامیاران یکمین نیروهای دشمن نشستند. در ساعت ۹ صبح یک اتومبیل سیمرخ حامل جاشها صدای یکمین افتاد و مورد حمله موق آمای پیشمرگان قرار گرفت و مدهای از سر نشینا آن کشته و زخمی گردیدند. هنگام عقب نشینی پیشمرگان تعداد زیادی از نیروهای دشمن زیر حمایت چهار قبضه مسلسل کالیبر ۷۵ میلی همکاری مدهای از نیروهای مستقر در پایگاه در که از طرف کوهپای زروان و گهر آوا پیشمرگان را محاصره کردند و نبرد سختی آغاز شد. پیشمرگان با جانانای صاف نیروهای دشمن را مورد حمله قرار دادند و ضربات سختی بر آنان وارد ساختند و مدهای از آنها را به هلاکت رساندند و سرانجام پس از چند ساعت نبرد خط محاصره را شکستند و مهابادگامیاران را شکست نمودند. در این نبرد دو پیشمرگ زحمتکش انقلابی کومله به نامهای کاک ناصر مجیدی و کاک کاظم جوهری به شهادت رسیدند.

به یاد مبارزات و قهرمانیهای رفقای شهید



● شهید کاک ناصر مجیدی زحمتکش آگاه پیشمرگ انقلابی کومله ۲۱ سال پیش در روستای وپهنگ در سن ۵۰ خانوادۀ دهقانی متولد شد . کودکی خود را در وپهنگ گذراند و در همین دوران با رنج و سختی آشنا شد و از زمانی که هنوز نوجوان کم سالی بود در کارهای تولیدی پدرش را یاری میداد . در سن ۱۵ سالگی به سنندج رفت و در آنجا به شاگرد جوشکاری مشغول گردید و پس از مدتی به کارگر جوشکار ماهر تبدیل شد .

در این سالها نطفه های آگاهی طبقاتی در ذهن خلاق و جوانش بستر شد و کینه اش از سرمایه داران و زمینچواران با مهربانان پهلوی روز بروز عمیقتر گردید . تا جاییکه در رساله های رشد مبارزات توده های مردم مبرهنه ها استخراج و به سلطنتی با شور و هیجان وارد صف این مبارزان شد و همگی از فعالین شهر سنندج تبدیل گردیدند . هیچ و خیم های این مبارزات عظیم او را هر روز آگاه تر و آیدیدتر میساخت . شور و شوق انقلابی کاک ناصر و تلاش بی گبر و خستگس ناپذیرش برای آموختن مسائل نیروی رفقای همزمش تا شهر سیار میگذشت .

در روزهای بعد از قیام بهمن ماه در حالیکه مبارزات انقلابی در کردستان همچنان ادامه داشت و کاک ناصر نیز فعالیت خود را بر طبق هیئت حاکمۀ تا زیم قدرت رسید مکماه ۱۴ مکانات خود در قصب دست آورد های قیام و سرکوب توده های مپا خواسته تلاش می نمود ادامه داد .

در روزهای بهار سال رژیم به شهر سنندج همراهِ دیگر زندگان در دفاع قهرمانانه از شهر شرکت نمود و پس از خروج از شهر به صف پیشمرگان کومله پیوست .

کاک ناصر نمونه درخشانی بود از فعالیت و مصیبت انقلابی . و رفقای ما صحنه های فراوانی از فدائیکارهای او را در نبرد های مخطف ناحیه کاک میاران به یاد دارند .

اگرچه کاک ناصر در لیل شرایط سخت زندگی نتوانست بهود بهد رسم برود اما به کمک همزمیان پیشمرگش طی این مدت سواد خواندن و نوشتن را به خوبی فرا گرفته بود و هیچ فرصتی را برای مطالعه از دست نداد .

سرانجام در بعد از ظهر روز ۲۶ / ۱۱ / ۵۹ در کوه های (گهر آوا) در جاده سنندج - کاک میاران در حالیکه همراهِ دیگر همزمیانانش از یک ما موریت موفقیت آمیز با زمینگشت بمبار و نیروهای دشمن افتاد و پس از چند ساعت نبرد و مقاومت قهرمانانه شهید شد و خون سرخش و شوقه رها فی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران گردید . یادش گرامی و خاطره اش جاویدان باد .

● **کاک کاظم جواهری** زحمتکش آگاه و انقلابی . ۲۱ سال قبل در یک خانوادۀ فقیر در روستای " کچله " در ناحیه کاک میاران متولد شد . تحصیلات خود را تا کلاس ششم ابتدائی در دبستان روستای محل تولدش ادامه داد اما پس از آن به علت عدم امکانات مالی مجبور به ترک آن شد و شرکت در کارهای کشاورزی برداخت و مدتی پس از آن برای کارگری مازم شهرهای دیگر ایران گردید . در آشنائی با کارگران دیگر مناطق ایران و زندگی و مبارزه مشترک با آنها بود که کاک کاظم در مییافت که کل طبقه کارگر و زحمتکشان ایران برای رهایی خود با یکدیگر متحد اند و دشمنان طبقاتی خود یعنی سرمایه داران و دیگر متجعین مپارزمای مپان دست بزنند .

در دوران جنبش مقاومت پس از ورود پیشمرگان به شهر کاک میاران با شور و شوق فراوان به صف پیشمرگان کومله پیوست و در این دوره آگاهی سیاسی خود را با لایبرد و دانش خود را در جوله های سیاسی متعدد دی که با دیگر رفقایش در ناحیه کاک میاران انجام میداد در اختیار زحمتکشان قرار میداد . جسارت انقلابی کاک کاظم در برخورد با دشمن کنناشی از کینه عمیق طبقاتی اهود هموار به رفقای پیشمرگ نیرومی بخشید . سرانجام کاک کاظم نیز در تاریخ ۲۶ / ۱۱ / ۵۹ همراهِ رفیق همزمش کاک ناصر مجیدی به کاروان شهیدای راه رهایی زحمتکشان پیوست . ماشه های این در رفیق روزمند را با خانوادۀ آنها و همه پیشمرگان کومله و خلق قهرمان کرد تسلیمست میگوئیم . یادشان همواره در یادمان زنده می ماند .

نامه‌ای از یک رفیق پیشمرگ

اجتماع پرشور مردم آشنویه و اطراف بمناسبت روز کومله

● روز ۲۶ بهمن بمناسبت روز کومله و سالگرد شهادت کاک محمد حسین کریمی (استاد صالح) گرد همایی با شکوهی با شرکت بخش مظلومی از مردم مبارز شهرود هات آشنویه در جلوسجده جامع برپا گردید .
در آغاز از طرف یکی از هواداران کومله‌ها می خوانند مشد و سپس یکی از رفقای مسئول برای جمعیت سخنرا کرد . وی در سخنانش به زندگسی سراسر مبارزه رفیق شهید اشا رهنموی و سپس درباره مسائل سیاسی روزنه تشنح مواضع کومله‌ها پرداخت و مراسم در میان شور و هیجان مردم به پایان رسید .

بوکان

● روز ۲۶ بهمن بمناسبت سالگرد شهادت کاک محمد حسین کریمی و سالگرد اعلام موجودیت کومله مراسم پرشوری در محل سالن دبیرستان کمال بوکان برگزار گردید . مراسم در شرایطی آغاز شد که سالن و راهروهای آن از جمعیت کثیری موج میزد . سپس از خواندن سرود یکی از رفقای مسئول کومله در بوکان طی سخنانی گوشه‌ها از زندگکی مبارزاتی کاک محمد حسین را بیان کرد . بدنبال آن بها مهاکسی از جانب هیکاره سازمان چریکهای فدائی خلق و چریکهای فدائی خلق و جمعیت مستقل معلمان قرائت گردید و مراسم با خواندن یک سرود به پایان رسید .
● در روزهای سالگرد قیامت ۶ بهمن (روز کومله) نماینده‌های بنام "آلای شورش" (پرچم انقلاب) در بوکان بهر روی صحفا مدعاست که به استقبال کم نظیری از طرف مردم مبارز روبرو شد . همچنین در این روزها نمایشگاه جنایات رژیم نیز دایر بود که مورد بازدید هزاران نفر قرار گرفت .

مطلمی را که در زیر میخوانید خاطرهای است که یکی از رفقای پیشمرگ برای خبرنگار مفرستاده است و ما در اینجا قسمتهایی از آنرا چاپ میکنیم :
" . . . دسته‌های پیشمرگه بودیم که می‌بایست از کنار یک پایگساده دشمن بگذریم . در جاده ۱۰ صلی درگیری بود و هلی کوبترها در هرس چرخش خود منطقه را بهر گرا روراکت می‌پستند . گاه گاه می‌نیز غرش توپها بگوش میرسید . بچه‌های روستایی توجیه آنچه در کنارشان میگدشت و پشت با مها تلهمازی میکردند و صدای از آنها با شاده " ما بطرفمان دیدیم و ما خندهای دل انگیز و دستهای کوچکشان سلام میدادند . پیشمرگها برای خوردن غذا تقسیم شدند . ما در نفر دریا نیند بهخانه . ای که چند کودک وزن جلو آن جمع شد مبودند رفته و گفتیم : " مهمان پیشمرگه نمی‌خواهید ؟ " زنی میانسال با خوشروئی گفت :

" مهمان روی چشم ما " . چهره بهشاش آنها خستگی و سرما را از روی دمانیدر کرد . داخل کشدیم ما را به " نا و مال " بردند . چوراها و " پوزه‌وانه " (۱) که را که خیس شد مبود برایمان نشستند . صاحبخانه در هقان فقیری بود که هنوز به خانه نمانده مبود . سپس روچهار دخترا داشت . هسرد هقان در بالای اتاق از متکا و لحافهای چید شده جای را حتی برای نشستن درست کرد . ما مهربانی از جای دهیقتور چند بن استکان ریخت . در همین موقع خود در هقان برگشت . میگفت : " من در بررسیدم و پیشمرگها تقسیم شد مبودند و با اصرار میخواستیم سه پیشمرگ را بخانه‌ها ورم و حتی بیک نفر را می بودم که مردم در متنگد این شتند . در وسط راه مسایه‌ها گفتند مهمان پیشمرگه دارید و خوشحاشدیم و میدانم شما برای زحمتکشان این همه در ورنج را تحمل میکنند . دولت به هیچکس رحم نمی‌کند . ما باید حقا نرایگیر مبودگردد و صورت داشتن قدرت همه ما را نابود خواهد ساخت و . . . ای دی‌دهی بهسه زن وود دخترانش تذکر میداد که چوراها را زود خشک کنند و ناها را بریا ورنده . ناها را " بروشین " (۲) داشتند . زن در هقان گفت : " این غذا لایق شما نیست و برنج همداریم و بخدانی دانستم شما می‌آئید و بهمانند انشا ۱۰۰ الیبرای شام . . . " هسرد هقان گفت : " این دخترم هسود لار کومله است و چشمش درد میکند و اورا به تبریز و سقز بوکان هسود ما بسم خوب نشد ما ست و در تبریز د کتر که فمید کرد هستیم و هوادار پیشمرگه . . . تو مان حق معالجه را بیا بخشید و دخترست و خانه شوهر مبروده باید چشمش خوب بشود "

د دخترم مجبانه گفت : " من هوادار کومله هستم و میتوانم پیشمرگه کومله بشوم ؟ " گفتیم : " ما هنوز پیشمرگه زن نداریم و تا آنروز تو میتوانی انقلاب را از راهای دیگری کمک کنی و و اینکه کسی کنی اغلامه‌ها و خبرنگار ما را بدی برایت بخونند . زنها در ورم جمع شوید و راجع به شرکت خودتان در انقلاب بحث کنید . . . "

برای انجام ما موریتی که مبرمید داشتیم از آنها خدا حافظی کردیم و هسود بگورفا از د خنارج شدیم .

(۱) - نا و مال : اتاقی که اعضای خانواد در آن جمع میشوند .

(۲) - پوزه‌وانه : ساق کفش‌های پشمی (۳) - بروشین : غذای بلغمور